

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۶ اکتوبر ۲۰۲۱

سیاست تجزیه و خفه کردن ایران، یک سیاست امپریالیستی - صهیونیستی است

سیاست عمومی صهیونیسم و امپریالیسم به ویژه امپریالیسم انگلوساکسون

اخیرا نشریات ایران و بسیاری خبرگزاری‌های جهان از واکنش تند ایران نسبت به دسیسه آذربایجان - ترکیه - پاکستان - اسرائیل علیه منافع ملی ایران خبر داده‌اند. ایران با بسیج قوای نظامی خویش در مرز جمهوری آذربایجان در شمال غربی ایران به رزمایش نظامی دست زد که هشدار برای خانواده مافیائی علی‌اوف باشد.

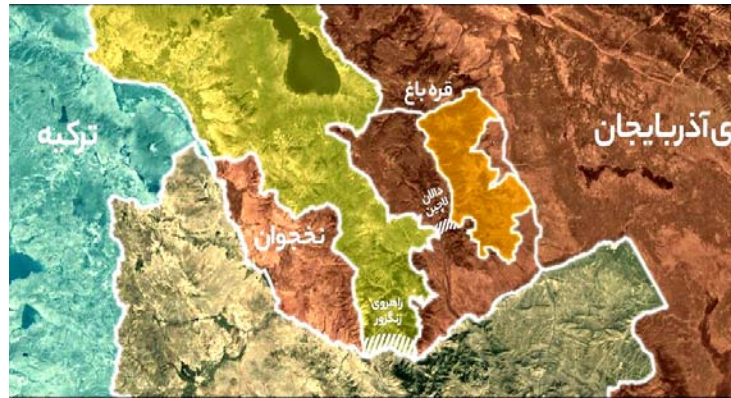
بعد از جنگ قره‌باغ و تسلیم حکومت دست‌نشانده آمریکائی ارمنستان به آذربایجان، توافقاتی در پشت پرده صورت گرفته و یا به ارمنستان تحمیل شده که به تدریج ماهیت آن بر ملا می‌شود.

از شایعات چنین بر می‌آید که رژیم علی‌اوف قصد دارد با یاری ترکیه و اسرائیل که از آذربایجان پایگاهی برای خود به خاطر نفوذ و رخنه‌گری در ایران ساخته است، منطقه‌ای حایل میان ایران و ارمنستان به وجود آورد و نخجوان را از طریق تصرف بخشی از خاک ارمنستان (منطقه زنگزور - سیونیک) که هم مرز ایران و راه ارتباطی با ارمنستان است و شریان ارتباط حیاتی ایران با ارمنستان محسوب می‌شود که در عین حال ارتباط میان ایران و اروپا را به وجود می‌آورد، قطع کند. نفرت ضد ایرانی اردوغان حیرت‌انگیز است. فراموش نکنیم که این نفرت گرگ‌های خاکستری ترکیه نسبت به فارس، کُرد، ارمنی، یونانی و روسی با علاقه و نزدیکی عامه مردم ترکیه با ملت ایران متفاوت است.

ارمنستان در حال حاضر از طریق دالان لاجین به قره‌باغ که بخشی از خاک آذربایجان ولی منطقه‌ای ارمنی نشین است ارتباط دارد. در مذاکرات سرّی که صورت گرفته است قرار است نخجوان از طریق دالانی در مرز ایران به سرزمین شرقی جمهوری آذربایجان وصل گردد که باید بخشی از منطقه آذربایجان محسوب شود و مرز مشترک ایران و ارمنستان از بین برود و در عوض در گوشه دیگری از خاک آذربایجان که جنبه راهبردی نداشته و بی‌اهمیت است، بخشی از خاک آذربایجان ضمیمه خاک ارمنستان شود.

روشن است که اگر این توافق به ضرر ایران در پشت پرده و برای خفه کردن ایران صورت نمی‌پذیرفت نیازی به واکنش طبیعی و خشمگین ایران نبود. مثلاً اگر آن بخشی که به ارمنستان ضمیمه می‌شد، بخش شمال غربی نخجوان بود که ارتباط ایران را با ارمنستان حفظ کرده و در عین حال ارتباط نخجوان با آذربایجان را تسهیل می‌کرد، جای اعتراض نبود، ولی با سیاستی که ترکیه و جمهوری آذربایجان با رهنمودهای اسرائیل اتخاذ کرده‌اند، هدفی جز تغییر جغرافیای منطقه و جغرافیای سیاسی منطقه ندارند و این تهدید آشکار علیه منافع ملی کشور ماست که به هیچوجه نباید مرزهایی که

به زور کشیده می‌شوند از جانب ایران پذیرفته شود. در اینجا سخن بر سر دخالت در امور داخلی یک کشور نیست، سخن بر سر آن است که در جمهوری آذربایجان سیاست دسیسه علیه ایران و خفه کردن ایران با یاری صهیونیسم و پان‌عثمانیسم صورت می‌پذیرد و در خدمت برهم زدن توازن منطقه است. این امر دیگر یک امر داخلی نیست. زیرا به تمام سیاست‌های اقتصادی، دیپلماتیک، جهانگردی، سوختی، تجاری، امنیتی و... ایران تأثیر فاحش گذارده و به میهن ما ایران صدمات جبران ناپذیر می‌زند.



تصویر دالان لاجین میان ارمنستان و قره‌باغ و منطقه راهروی زنگزور که قرار است به جمهوری آذربایجان فروخته شود.

خانواده علی‌اوف با اعمال این سیاست، که توسط صهیونیسم اسرائیل، به همدستی با پان‌اسلامیسم و پان‌ترکیسم - عثمانیسم اردوغان متحقق می‌گردد موافق بوده و با آن همکاری کرده و آن را تأیید می‌کند.

خانواده علی‌اوف و بریتانیا

خانواده علی‌اوف بعد از استقلال جمهوری آذربایجان فوراً دست به دامن پرنس چارلز بریتانیایی گردید و با شرکت نفتی بزرگ بریتانیایی بریتیش پترولیوم به توافق رسید تا به میدان‌ها و ذخایر نفت باکو دست پیدا کند. حتی با تکیه به امپریالیسم بریتانیا تهدید کرد که برای مقابله با ایران به ناوهای جنگنده انگلستان اجازه می‌دهد در آب‌های دریای خزر از دکل‌های نفتی جمهوری آذربایجان حفاظت کنند. این نزدیکی جمهوری آذربایجان به سمت غرب عمری طولانی دارد. همین امر باعث شده که علی‌اوف بتواند به بهای فروش آذربایجان برای بقاء حکومت خویش در پی متحدینی برآید که از وی در مقابل نفوذ ایران و روسیه در منطقه حمایت کنند. این سیاست خانواده علی‌اوف همان تکیه به سیاست تفرقه‌افکنانه پان ترکیسم اتاتورک، حمایت از مساواتیست‌های آذری و همدستی با ژنرال دنسترویل^۱ انگلیسی در زمان انقلاب اکتبر و تأثیراتش در قفقاز بود.

به این جهت امپریالیسم انگلوساکسون، بریتانیا و آمریکا همراه با صهیونیسم بین‌الملل و پان‌ترکیسم، پان‌اسلامیسم نوع اخوان‌المسلمین و یا وهابیسیم در کنار آذربایجان قرار گرفته برای تضعیف ایران از طریق تجزیه ایران و خفقان سیاسی - اقتصادی کشور ما در شرایط تحریم و تهدیدات آمریکا کوشا گشته و وحدت نظر دارند. به این جهت نیز صهیونیسم هم در کردستان عراق و هم در جمهوری آذربایجان به ایجاد پایگاه‌های نظامی دست زده که منافع ملی ایران را شدیداً تهدید

^۱- سرلشکر «لیونل چارلز دانسترویل» (Lionel Charles Dunsterville)؛ ۹ نوامبر ۱۸۶۵ - ۱۸ مارس ۱۹۴۶) یک ژنرال بریتانیایی و فرمانده نیروی «دانستر» (Dunsterforce) بود. وی این نیروی زبده نظامی بریتانیایی را در سراسر عراق و ایران به سمت قفقاز رهبری کرد و از طریق بندر انزلی به سوی باکو رفت تا از چاه‌های نفت قفقاز در مقابل ارتش امپراتوری عثمانی حفاظت نماید.

می‌کنند و این امر را که مستقیماً برضد ایران است نمی‌شود در کادر عدم مداخله در امور داخلی جمهوری آذربایجان توجیه کرد. تمام تروریست‌های صهیونیستی برای کشتار دانشمندان اتمی ایران، ربودن اسناد اتمی ایران، حضور پهلپادهای اسرائیلی با پرواز از آذربایجان تا نقض حریم هوایی اصفهان و... با دست اسرائیل در تحت حمایت خانواده علی‌اوف در آذربایجان صورت می‌گیرد که اعلام جنگ آشکار با ایران است. خانواده علی‌اوف مطابق موازین جهانی موظف است جلوی تحریکات و نقض امنیت همسایگانش را که منبع اصلی آن در کشور خودش قرار دارد، بگیرد. این یک قاعده و عرف جهانی است.

در این جمهوری دشمنان ایران در زیر نظارت خانواده مافیائی علی‌اوف به برائی کاردی مشغولند که سر گربه ایران را ببرد. مسخره خواهد بود بر این واقعیت چشم پوشید و وقتی کار از کار گذشت اشک تمساح ریخت. امروز به نظر می‌رسد که در ایران دوران تسلط مافیای خانواده رفسنجانی که در عرصه بین‌المللی منافع ملی ایران را وجه‌المصلحه جیب گشاد خانواده خویش می‌کرد به سر رسیده است و باید هشیار بود که این فاجعه مجدداً تکرار نشود.

ایران قرار است یک دالان تجاری و راهبردی از خلیج فارس در بندر چابهار به ارمنستان و روسیه بکشد که جنوب ایران را از طریق مرز مشترک کنونی با ارمنستان به گرجستان، روسیه و اروپا وصل می‌کند. قرار است که روسیه در این زمینه سرمایه‌گذاری کند و به این ترتیب تمام محصولات کشور هندوستان از طریق ایران با دورزدن پاکستان به اروپا می‌رسد.

این جاده برای ایران هم از نظر اقتصادی و هم جغرافیای سیاسی بسیار مهم و حیاتی است. به همین جهت نیز به یکباره سر و کله پاکستان نیز در عملیات مشترک نظامی با ترکیه و جمهوری آذربایجان زیر نظارت صهیونیسم و امپریالیسم انگلوساکسون پیدا می‌شود. پاکستان موافق فروش بخشی از خاک ارمنستان به جمهوری آذربایجان است تا راه ارتباطی و شریان حیاتی اقتصادی ایران به اروپا و به طریق اولی راه نزدیکی هندوستان به اروپا قطع گردد. این اقدام پاکستان نشانه دشمنی این کشور با ایران است و مسلماً در آینده نتایج مثبتی چه در مورد افغانستان و چه در مورد منطقه بلوچستان و چه در مورد جمهوری آذربایجان به بار نخواهد آورد. نزدیکی طالبان، پاکستان و ترکیه - عضو ناتو و نیروی اشغالگر در افغانستان - در اداره فرودگاه کابل و اعمال نفوذ ترکیه در افغانستان از طریق دارو دسته ژنرال دوستم را که به ترکیه فرار کرده است باید از این دریچه نگاه کرد.



تصویر راه ارتباطی تجاری راهبردی ایران از جنوب به شمال غربی و اروپا

از این ببعد پاکستان با یاری عربستان سعودی و قطر به تحریکات تروریستی در شرق ایران و تخریب در توسعه بندر چابهار دست خواهد زد و این در حالی است که ترکیه نیروهای جهادست داعش را که در جنگ جمهوری آذربایجان

و ارمنستان از آنها استفاده کرده بود، در شمال ایران فربه می‌کند تا از وجودشان برای تخریب و بمب‌گذاری در ایران زیر نظر صهیونیسم جهانی و با همدستی ناسیونال‌شونیست‌های ترک آذری که با شعار نژادپرستانه و فاشیستی مرگ بر «فارس، کرد، ارمنی» در تبریز به نمایش همبستگی با پان‌عثمانیسم در جنگ قره‌باغ دست زده بودند، استفاده کند. طبیعی است که نیاز به استدلال خارق‌العاده ندارد که منافع ملی ایران در خطر شدید قرار دارد و نمی‌توان نسبت به این وضعیت بی‌تفاوت باقی ماند.

راه حل

در درجه نخست باید تلاش کرد که این مسئله مهم را بر اساس دوستی و تفاهم متقابل، سود متقابل و حسن همجواری حل کرد. مسلماً در اینجا پای جمهوری آذربایجان و به ویژه ارمنستان در میان است و ربطی به ترکیه ندارد. ترکیه و اسرائیل با تمام قوا کوشش خواهند کرد از حل این ماجرا جلوگیری کنند. نقش دولت ارمنستان اگر منافع ملی کشور خودش را مد نظر قرار دهد، ناگفته روشن است و باید به نزدیکی با ایران پردازد و مانع شود که مرز مشترک ایران و ارمنستان به زور جا به جا شود و صدمه ببیند. معلوم نیست که آیا حکومت آمریکائی ارمنستان را که محصول یک انقلاب مخملی بود، عمال مافیای جهانی با همدستی صهیونیسم خریده‌اند یا خیر؟ معلوم نیست مردم ارمنستان تا به چه حد از مآوقع ماجرا با خبرند و به عواقب و نتایج این دسیسه برای بقاء و حیات خود به درستی پی‌برده‌اند؟ به این جهت لازم است که سرمایه‌گذاری روی آگاه کردن مردم ارمنستان برای ایجاد موج مخالفی با این دسیسه بسیار مهم که قرار است بخشی از خاک ارمنستان در منطقه زنگزور را به آذربایجان ببخشند، ارجح دانست و برای تحقق آن فعال شد. می‌شود به صورت بدیل پیشنهاد جمهوری آذربایجان در مورد تعویض منطقه زنگزور، تصاحب ضلع شمال غربی منطقه نخجوان آذربایجان را در ازاء آن در قالب یک پیشنهاد به ارمنستان عرضه نمود که در عین حال خیانت دوران رضاخان قلدر را که منطقه قره‌سو ایران را به ترکیه اتاتورک حاتم طائی‌وار بدون تائید مجلس و مردم ایران بخشیده بود، تا یک مرز مصنوعی مشترکی میان ترکیه و جمهوری آذربایجان در منطقه نخجوان ایجاد شود، جبران کرد. این بخشش غیرقانونی بود و هست و ایران باید سیاست بازپس‌گیری این بخش از خاک ایران را در دستور سیاست خارجی خود قرار دهد.

تحریکات در کردستان عراق و ایجاد پایگاه ضد ایرانی

تحریکات ضدایرانی در کردستان عراق به یاری امپریالیسم اشغالگر آمریکا و عمال صهیونیست‌ها ادامه دارد. گُردهای ناسیونال‌شونیست ضدایرانی و ضدعرب دیگر پنهان نمی‌کنند که به عنوان عامل دست‌نشانده صهیونیسم جهانی عمل می‌کنند و خواهان استقرار اسرائیل دوم در منطقه با سوءاستفاده از ناآرامی‌های موجود در عراق هستند. گُردهای ناسیونال‌شونیست چه در ایران و چه در عراق موافق تجاوز امپریالیسم آمریکا به عراق و قتل عام مردم عرب زبان عراق بودند. حمایت از حقوق بشر آنها ماهیت قومی و نژادی دارد. کردستان عراق پایگاه تجاوز جرج بوش به عراق و در آینده تجاوز به ایران است. به این جهت نابودی پایگاه‌های اسرائیل در عراق و همدستان گُرد آنها برای بقاء ایران، جغرافیای سیاسی منطقه و خنثی کردن تحریکات صهیونیسم و امپریالیسم در منطقه جنبه حیاتی دارد. در کردستان عراق نیز کسی نمی‌تواند واکنش طبیعی ایران را نسبت به صهیونیسم و ناسیونال‌شونیسم ضدایرانی، دخالت در امور داخلی عراق جلوه دهد. چگونه می‌شود ناظر آن بود که کسانی در کردستان عراق در پی آموزش ارتش متجاوز هستند که می‌خواهد به ایران حمله کرده و با رهبری صهیونیسم و امپریالیسم ایران را تجزیه کند و در مقابل آن واکنش نشان

نداد و خود را به خواب زد. چگونه می‌شود نظاره‌گر آن بود که از طریق کردستان عراق تروریست‌های جهادی و تجزیه‌طلب با پول عربستان سعودی وارد ایران شده و به تخریب و ترور در خوزستان و کردستان مشغولند. اقلیم کردستان عراق قادر نیست امنیت مرزهای مشترک با ایران را تامین کند و این بنا بر منشور جامعه جهانی وظیفه هر کشوری است تا از ایجاد بحران‌های منجر به درگیری در مرزهایش جلوگیری کند. مسئولیت عبور تروریست‌های جهادی و تجزیه‌طلب از مرزهای همسایگان به داخل خاک ایران چه تروریست ترک، چه داعش خراسانی و یا تروریست عرب و کُرد به داخل خاک ایران بر عهده کشورهای همسایه است. کشور ما ایران از چهار طرف مورد تهدید قرار گرفته است. دسیسه ترکیه، آمریکا، ناتو برای نابودی لبنان و سوریه برای ممانعت از دسترسی ایران به دریای مدیترانه علیرغم بسیج داعش و ایرانی‌های خودفروخته‌ای که از تجاوز به افغانستان، لیبی، عراق حمایت می‌کردند و مبارزات ملی سازمان حماس را در خدمت به صهیونیسم اسرائیل محکوم می‌نمودند، با شکست روبرو شده است. این سیاست تفرقه‌افکنانه صهیونیسم مفتضحانه شکست خورده است. ولی دشمنان ایران دست بردار نیستند و می‌خواهند تلافی شکست خود در سوریه را در آذربایجان جبران کنند و اسرائیل دوم را در آنجا بنا نهند.

خانواده علی‌اوف

یک مستبد مافیائی است که یک الیگارش مافیائی از خانواده خویش و عوامل پرنفوذ سازمان امنیت جمهوری آذربایجان فدراسیون شوروی به وجود آورده است که میلیاردها دلار پول زحمتکشان آذری را به حساب‌های خصوصی خویش در اروپا و آمریکا می‌ریزد و به عیاشی مشغول است. در اسناد منتشر شده پاندورا چندین بار نام این خانواده فاسد برملا شده است که تنها برای ایجاد محبوبیت برای خویش سازمانی ایجاد کرده که سیاستمداران اروپائی و آمریکائی را مزدور خویش نموده است. در اسناد پاندورا می‌آید که الهام علی‌اوف رئیس جمهور آذربایجان و اعضای خانواده‌اش از افرادی هستند که نامشان در این اسناد برملا شده است. آنها ظاهراً از طریق شرکت‌هایی فراسرزمینی، املاکی به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار در بریتانیا خریده‌اند. این دزدی‌ها تنها یکی از ارقام دزدی خانواده علی‌اوف است. طبیعتاً این ثروت دزدی شده که در بانک‌های ممالک امپریالیستی مدفون است هر لحظه می‌تواند توسط حکومت‌های این کشورها بالا کشیده شود. سرنوشت میلیاردها ثروت بی‌زبان معمرقذافی در مقابل ماست که خودکامگان باید از آن بیاموزند. ممالک امپریالیستی تمام ثروت‌های ایران در بانک‌های خویش را مسدود کرده، بالا کشیده‌اند و هم اکنون همین روش را با ذخایر دولت افغانستان در غرب انجام می‌دهند. خانواده علی‌اوف خانواده‌ای خریدنی است و تنها برای بقاء موجودیت خویش بر سر گردنه تقلا می‌کند. سرنوشت مردم جمهوری آذربایجان و منطقه قفقاز و ایران برای وی پیشیزی ارزش ندارند. این است که حمایت از جریان‌های دموکراتیک که به نفع مردم آذربایجان بوده و به افشاء این مافیای سرگردنه مشغولند، به نفع همه خلق‌های منطقه است. مخالفان خانواده مافیائی رفسنجانی در ایران باید به این عرصه مبارزه روشنگرانه و دوراندیشانه توجه کنند. مردم جمهوری آذربایجان از این خانواده همدست ترکیه و اسرائیل متنفرند.

تحریکات در آذربایجان

تبلیغ نفرت قومی و ناسیونال شونیسم گرگ‌های خاکستری در جمهوری آذربایجان توسط اندیشمندان ترکیه که در پی توسعه پان‌ترکیسم است، ابزاری در دست خانواده علی‌اوف است تا مردم برادر ما در کشور جمهوری آذربایجان را علیه مردم ایران تحریک کند. ترکیه واقف است که نزدیکی دینی، تاریخی، فرهنگی، خویشاوندی مردم جمهوری آذربایجان با مردم ایران بیشتر است تا به یک مشت پان‌اسلامیست - پان‌ترکیست توسعه‌طلب. مردم جمهوری آذربایجان

بارها دوستی و نزدیکی خویش را با مردم ایران و همبستگی خویش را با ایرانیان نشان داده‌اند و این امر بویژه در مصاحبه‌های اخیر صدا و سیمای آذربایجان با مردم باکو نسبت به واکنش جمهوری اسلامی در مورد سیاست‌های تفرقه‌افکنانه مثلث آذربایجان - اسرائیل - ترکیه به چشم می‌خورد. این در وضعیتی بود که دولت علی‌اوف تلاش می‌کرد مردم آذربایجان را علیه ایران تحریک کند و این سیاست با شکست روبرو شد و مردم باکو به صراحت از نزدیکی به ایران دفاع کردند. ترکیه به جز نزدیکی زبانی که آن هم مزیت استثنائی نیست، پیوند روانی با مردم جمهوری آذربایجان ندارد. لنگرانی‌ها، تات‌ها، تالش‌ها در شرق و جنوب شرقی جمهوری آذربایجان حتی تا به امروز خود را ایرانی می‌دانند و حاضر نیستند گوشت دم توپ صهیونیسم و پان‌ترکیسم عثمانی علیه ایران قرار بگیرند. طبیعی است که یک دولت هشیار و دوراندیش در ایران باید بردوستی ملت‌های آذربایجان و تاریخ و فرهنگ مشترک آنها تکیه کند. مافیای رفسنجانی که بر سر کار آمده بود بیشترین ضربه تخریبی را به روابط ایران و آذربایجان زد و این بازنگری تاریخی باید به تحکیم نزدیکی دو ملت منجر شود.

تبلیغ نفرت ضدفارس، کُرد و ارمنی یک مبارزه ایدئولوژیک است تا پیوندهای قدرتمند میان فرهنگ ایران با ملت آذربایجان در شمال ارس را بگسلد و دشمنی را میان آنها دامن زند. تنها با دوستی و تکیه به تاریخ و فرهنگ مشترک، مناسبات و مراوده میان مردم ایران و آذربایجان امکان دارد که این تبلیغات فاشیستی پان‌ترکیستی عثمانی‌ها را خنثی کرد. توجه به سنت نوروزی، جشن گرفتن مشترک نوروزی با همه خلق‌های قفقاز و آسیای میانه که در این دایره فرهنگی می‌گنجند به تحکیم این دوستی و میراث تاریخی یاری می‌رساند و تبلیغات نفرت‌انگیز گرگ‌های خاکستری در ایران را که ستون پنجم ترکیه هستند خنثی می‌نماید. ولی رژیم جمهوری اسلامی در گذشته به جای تکیه به ریشه‌های دوستی تاریخی و خویشاوندی بین دو ملت بر تبلیغ خرافات مذهبی و حجاب اسلامی و شرعیت شیعه تکیه کرد و مردم جمهوری آذربایجان را مجبور کرد که میان عقب‌ماندگی، قهقرا و مدرنیسم، مدرنیسم غربی را برگزینند. این فاجعه محصول دوران حکومت‌های اصلاح‌طلبان و سیاست خارجی غرب‌گرای آنها نیز هست.

نقش ترکیه

دولت ترکیه با این تغییر مرز ارمنستان با ایران موافق است زیرا نه تنها انتقام شکست خود در سوریه را از ایرانی‌ها می‌گیرد، بلکه راه خویش را بدون گذشتن از ارمنستان از طریق قره‌سو، نخجوان و آذربایجان به دریای خزر باز می‌کند. این امر یک راه ارزان قیمت تجارتی در اختیار ترکیه برای افزایش نفوذش در آذربایجان و ممالک حاشیه دریای خزر قرار می‌دهد. این سیاست ترکیه طبیعتاً یک سیاست راهبردی و به ضرر خلق‌های منطقه و در خدمت امپریالیسم ناتو و صهیونیسم است.

این تغییر جغرافیای سیاسی منطقه به ضرر ارمنستان است که ترکیه می‌تواند از این کشور که به جز ایران با سایر همسایگان خود درگیری دارد، لقمه چربی برای پان‌ترکیسم بسازد و در محاصره خفقان‌انگیزی قرار دهد. معلوم نیست کدام فشار خارجی به ارمنستان و یا کدام وعده‌های سرخرمن به رئیس‌جمهور آمریکائی آنجا آقای «نیکول وُوایی پاشینیان»، وی را به سکوت واداشته است. این وظیفه دولت ایران است که با تکیه بر مردم ارمنستان این سکوت مشکوک را درهم شکسته و مردم ارمنستان را در مورد عواقب این حقارت آگاه گرداند.

ترکیه به این طریق از رشد اقتصادی ایران جلو گرفته به مرجعی برای باج‌گیری از ممالک آسیا بدل می‌شود. آنها می‌خواهند همه ممالک آسیائی را وادار کنند برای ایجاد ارتباط با بازار اروپا راه ترکیه را انتخاب کنند که همیشه بتواند

به عنوان عامل فشاری در دست بلندپروازی‌ها و سیاست‌های توسعه‌طلبانه و خرابکارانه ترکیه مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

ترکیه از این گذشته در همدستی با اسرائیل و اجرای نقشه‌های شوم امپریالیسم انگلوساکسون - ترکیه - اسرائیل و جمهوری آذربایجان در پی تجزیه قومی در ایران است و در این عرصه از زمان محمد رضا شاه پهلوی فعال بوده و در میان ستون پنجم خود در ایران ریشه دوانده است. به این جهت باید میان تجزیه‌طلبی و همدستی با صهیونیسم و امپریالیسم از یک طرف و خواست‌های دموکراتیک مردم آذربایجان که مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند تفاوت گذارد و به آن توجه کرد. ولی نباید فراموش کرد که توجه به ارزش دموکراسی در مورد یک خلق زمانی معنی و مفهوم دارد که در عرصه کل جامعه ایران دموکراسی جای مطلوب خود را پیدا کند. دموکراسی به صورت وصله پینه وجود ندارد. دولت ترکیه از زمان جنگ قره‌باغ تروریست‌های جهادی را وارد آذربایجان کرده است که در مرزهای شمال ایران پرسه می‌زنند و به داخل خاک ایران نفوذ کرده و می‌کنند. بخشی از این تروریست‌ها به زبان ترکی تکلم می‌کنند که آنها را برای اقدامات تروریستی زیر نظر مشاوران امنیتی ترکیه و اسرائیل به داخل خاک ایران گسیل داشته‌اند تا با انجام اقدامات تروریستی، ایجاد اغتشاش، ترور، زدودن امنیت زمینه هرنوع خرابکاری، تجزیه‌طلبی، تجاوز خارجی را فراهم آورند.

برخورد قدرت‌های بزرگ جهانی

در مورد سیاست امپریالیسم انگلوساکسون توضیح دادیم. در مورد اروپا به نظر نمی‌رسد وحدت نظری وجود داشته باشد. کشور یونان، قبرس، فرانسه به شدت با تحریکات ترکیه در ارمنستان و مرز ایران مخالفند زیرا ارامنه مهاجر ثروتمند در فرانسه از یک لابی قدرتمند در مجلس فرانسه برخوردارند که در کنار ارمنستان و مشروط در کنار ایران قرار دارند و توانستند نسل کشی ارامنه را در ترکیه به عنوان یک جنایت ضدبشری محکوم کنند.

دولت روسیه تلاش دارد ترکیه را از ناتو جدا کند و به این جهت در مقابل برخی بلندپروازی‌های ترکیه تعامل به خرج می‌دهد، به آنها موشک‌های اس ۴۰۰ می‌فروشد و در پی ساختن دو نیروگاه هسته‌ای برای ترکیه است. ولی کاملاً آگاه می‌باشد که ترکیه متحدی مشکوک و غیر قابل اعتماد است. دولت پوتین با برگ ترکیه به بازی مشغول است.

روسیه از نفوذ ترکیه در آسیای میانه و قفقاز راضی نیست، زیرا ترکیه را همدست جهادپست‌های تروریستی می‌داند که در چین و سوریه فاجعه آفریدند و این حادثه آفرینی را می‌توانند در قفقاز و آسیای میانه با حمایت از تروریست‌های جهادی صادراتی ادامه دهند. و از این گذشته روسیه متحد طبیعی ارمنستان است علیرغم اینکه در این اواخر از جانب امپریالیسم غرب تلاش شد از این کشور به عنوان پایگاهی علیه روسیه استفاده شود، ولی جنگ قره‌باغ و ناتوانی غرب در حمایت از ارمنستان تمام محاسبات غرب را برهم زد. روسیه و فرانسه در مورد برخورد به ارمنستان هماهنگی و نقاط مشترک فراوان دارند. به نظر می‌رسد که قطع خط مرزی ایران با ارمنستان نیز منافع روسیه را نیز در خطر اندازد و روسیه حاضر نیست خطرات جنگی ادامه‌دار را در مرزهای جنوبی خود در قفقاز بپذیرد و بیشتر خواهان حل مسئله به شیوه دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز است. به این جهت ترکیه و اسرائیل با روسیه و فرانسه و در عین حال چین و هندوستان نیز روبرو هستند.

دول چین و هندوستان با هرگونه تفرقه‌افکنی قومی در ایران مخالفند، زیرا این ایجاد ناامنی و تجزیه ایران نه تنها به مبادلات تجاری و دالان‌های راهبردی اتصال به اروپا صدمه می‌زند و آن را غیرممکن می‌سازد، حتی در درون کشور خود نیز وحدت ملی آنها را دستخوش تحولات در منطقه خواهد کرد. راه ابریشم به بن‌بست می‌رسد و از طرف دیگر

ارتباط زمینی هند به اروپا از طریق ایران قطع می‌گردد و در این قمار سیاسی پاکستان برنده بوده و دست بالا را خواهد داشت. امنیت ایران برای هند و چین، روسیه از ارزش بالایی برخوردار است، این است که این ممالک در این مبارزه کنونی علیرغم اینکه هرکدام منافع دراز مدت خود را در نظر دارند، متحدان سیاسی و استراتژیک ایران به حساب می‌آیند و در مقابل عربستان سعودی، قطر، امپریالیسم انگلوساکسون، صهیونیسم و پان عثمانیسم در کنار ایران ایستاده‌اند و مخالف تغییر جغرافیای سیاسی منطقه هستند. وضعیت بغرنج کنونی در منطقه ناشی از گوناگونی قومی و تضادهای فرافران با درجه‌بندی‌های تأثیرات متفاوت است. ایران باید برآیند تأثیرات این نیروها را برای حفظ منافع ملی ایران در نظر بگیرد. صهیونیسم، وهابیت، پان عثمانیسم جریان‌هایی نیستند که دارای آینده‌ای باشند. نقش آنها موقتی و مخرب است. ترکیه با سیاست دشمنانه، مخرب و ماجراجویانه خویش در درجه نخست به مردم برادر ما در ترکیه صدمه می‌زند.

ایران باید از تمام امکانات خویش برای آزاد نگه‌داشتن این شاهراه و شریان سیاسی - اقتصادی استفاده کند. اپوزیسیون ایرانی خودفروخته و ستون پنجم صهیونیسم، امپریالیسم و پان عثمانیسم با هر حرکتی که در جهت منافع ملی ایران و مغایر با حقارت‌پرستی و خودتحقیری باشد مخالفت می‌ورزند. ولی مردم ایران از هویت ملی خویش و از مرزهای تاریخی خود دفاع خواهند کرد. دوستی خلق‌های منطقه پایدار خواهد ماند ولی رژیم‌های توسعه‌طلب، ماجراجو، مخرب، نفرت‌پراکن، نژادپرست و خودکامه پایدار نیستند.

حزب کار ایران (توفان)

۱۲ مهر [میزان] ۱۴۰۰

www.toufan.org